

اسطوره‌سازی امریکا از جهان به اصطلاح آزاد

■ **سیدر حیم نعمتی**

جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا در اول مارس و طی سخنرانی وضعیت کشور در کنگره بر اصطلاح «جهان آزاد» the free world» تأکید کرد و گفت: «جهان آزاد در وحدت خود مصمم است» و همین مضمون در سخنرانی چندروز بعد بوریس جاسون، نخست وزیر بریتانیا نیز منعکس شد. تأکید بایدن بر این اصطلاح یادآور اسطوره‌سازی حاکمیت امریکا در ۷۵سال قبل است که بر اساس آن، جنگ سرد بین دو بلوک غرب و شرق پایه‌گذاری شد. حالا به نظر می‌رسد بایدن قصد دارد از جنگ سرد دستمایه‌ای برای جان دادن به این اصطلاح بهره‌برداری یا حتی همان صفتبندی سال‌های جنگ سرد را بار دیگر بر همان مینا احیا کند، بااین حال تجربه جنگ سرد نشان داد اسطوره‌سازی «جهان آزاد» منجر به رویارویی تمام‌عیار جهان غیر کمونیست با جهان کمونیستی نشد و یگانه‌نگاری بین جهان غرب و جهان آزاد هیچ‌گاه نتوانست محقق شود. به نظر می‌رسد این موضوع حالا هم صادق باشد، جدای از اینکه جهان امروز دیگر همانند هفت دهه قبل جهان دوقطبی نیست بلکه به سمت جهان چندقطبی در حرکت است.

■ **سخنرانی‌های ماه مارس**

این نکته‌ای جویب است که ماه مارس نقطه تعیین‌کننده‌ای در اسطوره‌سازی «جهان آزاد» از سوی امریکاست. در واقع، سخنرانی هری ترومن، رئیس‌جمهور پیشین امریکا در ۱۲مارس ۱۹۴۷ و تحت همین عنوان بررسی وضعیت کشور بود که نقطه آغاز برای این اسطوره‌سازی شد. او در این سخنرانی از اعضای کنگره خواست از لایحه بسته کمک به ترکیه و یونان حمایت کنند تا تصویب این لایحه، مانع گسترش اتحاد جماهیر شوروی به جنوب شرق اروپا شوند. سخنرانی او همراه با لفاظی‌های پرآب و تاب بود و از «حق تمامی مردم‌ها برای حفظ نهادهای آزاد و یکپارچگی ملی‌شان در برابر جنگ کات ستیزه‌جویانه» گفت و با این کلمات تند و آتشین بود که اعضای کنگره را مجاب به تصویب لایح‌اش کرد. ترومن با این سخنرانی ایده «جهان آزاد» را در دکت‌رین بین‌المللی خود قرار داد تا اینکه امریکا مدعی رهبری «جهان آزاد» در برابر جهان بسته کمونیستی یا «جهان اقتدارگرا» شود. به عبارت دیگر، بایدن در سخنرانی ۱۲مارس خود با جای پای ترومن در ترومن در ۷۵سال قبل می‌گنارد و در این تصور است که می‌تواند با زنده کردن اسطوره «جهان آزاد» دوباره همان نقش امریکا را در جنگ سرد احیا کند و آن را در موقعیت رهبری این جهان اسطوره‌ای قرار دهد، با این حال به نظر می‌رسد

اسطوره‌سازی این بار رئیس‌جمهور امریکا از «جهان آزاد» فراتر از لفاظی‌های سیاسی نرود و نتواند همان کاری را بکند که با بلوک‌بندی بین

غرب و شرق انجام داد.

■ **سلطه‌جویی و کاستی‌ها**

در واقع، دکترین ترومن و اسطوره‌سازی او از «جهان آزاد» در برابر «جهان اقتدارگرا» زمینه‌ای بود برای اسطوره‌جویی کاخ سفید که در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم و استفاده از بمب اتمی، احساس می‌کرد برترین قدرت جهانی است و می‌تواند با این اسطوره‌سازی سلطه‌جویی‌اش را در جهان گسترش دهد. سند فوق محرمانه شورای امنیت ملی امریکا به شماره ۶۸در اوایل ۱۹۵۰ این سیاست سلطه‌جویانه در دکت‌رین ترومن را تثبیت و اعلام کرد «شکست نهادهای آزاد در هر جایی از دنیا به منزله شکست در همه‌جاست» و در این سند از امریکا خواسته شده بود «قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان آزاد» را به سرعت هر چه تمام‌تر برپا کند. می‌توان گفت شروع جنگ کره در ژوئن ۱۹۵۰ فرصتی را برای ترومن و دولت او فراهم کرد با ورود به این جنگ، اسطوره‌سازی خود را از جهان آزاد پیش ببرند، با این حال سال‌های بعد از این جنگ به نحوی پیش ترفت که از اسطوره‌سازی امریکا انتظار می‌رفت.

نخستین مشکل در تلقی امریکا از اسطوره‌اش

بود، به نحوی که کشور غیر کمونیستی را جزو جهان آزاد می‌دانست، در حالی که بسیاری از کشورها حاضر نبودند در صفتبندی بین شرق و غرب از یک طرف جانبداری کنند. به عبارت دیگر، اسطوره امریکایی از جهان آزاد بیشتر از آنکه بیانگر واقعیت موجود از کشورهای جهان باشد، محدود به متحدان غربی امریکا بود که جنگ کره باعث شده بود به گرد و آشننگتن جمع شوند و این تصور را القا می‌کردند که گویا



جهان امروز بدون شک و تردید با جهان زمان ترومن و بعد از جنگ جهانی دوم تفاوت‌ پنیادین دارد. این تفاوت را می‌توان در تقاضای کاخ سفید از متحندان سنتی عرب خود، یعنی عرب‌ستان سعودی و امارات‌متحدهعربی دید که برای افزایش تولید نفت انجام شد اما این دو کشور نه تنها حاضر به پذیرش این درخواست نشدند بلکه تعهدات خود را به روسیه در اوپک پلاس به آن ترجیح دادند

بومرنگ تحریم انرژی روسیه

تبعات تحریم روسیه، دامن اروپا و امریکا را خواهد گرفت

این کشورها با موانع ساختاری در این زمینه مبنی بر تحریم روسیه را نادرست دانست و تأکید کرد: «به نظر من این تصمیم اشتباه است. چنین اقدامی نه تنها ضربه سختی به آلمان وارد می‌کند، بلکه اروپا را نیز با مشکل بزرگی روبرو خواهد کرد».

نکته جالب اینکه امریکا که سردمدار تحریم همه‌جانبه روسیه است و چندی قبل هم واردات انرژی از این کشور را تحریم کرد، به دلیل نگرانی از تأثیرات منفی تحریم نفتی روسیه بر افزایش بهای حامل‌های انرژی به ویژه بنزین دریا ره تحریم نفتی روسیه توسط اتحادیه اروپا زنگ خطر را به صدا درآورده است. «جنت یلن» وزیر خزانه‌داری امریکا در خصوص تأثیر تحریم این امر منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود، اعلان کرده‌است. یلن می‌گوید: «ما می‌خواهیم به روسیه آسیب برسانیم، ولی تحریم‌ها، تأثیر بسیار کمی بر روسیه داشته‌است. روسیه ممکن است صادرات کمتری داشته باشد، اما قیمتی که برای صادرات خود دریافت می‌کند، افزایش می‌یابد که این امر تأثیر مخربی بر اروپا و سایر نقاط جهان خواهد داشت.»

■ **تبعات منفی تحریم نفتی روسیه**

واشنگتن به خوبی می‌داند تا تحریم نفتی روسیه و افزایش بهای نفت، به رغم کاهش صادرات نفتی از جانب این کشور در نهایت مسکو درآمد بیشتری کسب خواهد کرد، در حالی که تبعات منفی چنین اقدامی مانند بومرنگ به اقتصاد کشورهای غربی از جمله امریکا بر خواهد گشت که هم اکنون نیز تحت فشار تورمی زیادی به دلیل افزایش بهای حامل‌های انرژی پس از وقوع جنگ اوکراین قرار دارد. چندی پیش، سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) اعلام کرد اعمال تحریم‌های فعلی و افزایش آن در آینده علیه روسیه قطعاً می‌تواند یکی از بدترین شوک‌ها را به بازار جهانی نفت وارد کند. به این ترتیب به رغم خواسته اروپایی‌ها برای افزایش فشارها بر روسیه به بهانه جنگ اوکراین از جمله تحریم واردات انرژی از روسیه، اما خود

«پیتر سیاروت» وزیر امور خارجه مجارستان نیز با مواجهه هستند، ضمن اینکه اساساً درباره اینکه چنین اقدامی موجب توقف عملیات نظامی روسیه در اوکراین شود، تردید وجود دارد. «اولاف شولتس» صدراعظم آلمان اذعان کرد: «پذیرش این درخواست نشدند بلکه تعهدات خود را به روسیه در اوپک پلاس به آن ترجیح دادند

این کشورها با موانع ساختاری در این زمینه مبنی بر تحریم روسیه را نادرست دانست و تأکید کرد: «به نظر من این تصمیم اشتباه است. چنین اقدامی موجب توقف عملیات نظامی روسیه در اوکراین شود، تردید وجود دارد. «اولاف شولتس» صدراعظم آلمان اذعان کرد: «پذیرش این درخواست نشدند بلکه تعهدات خود را به روسیه در اوپک پلاس به آن ترجیح دادند



میلیتاریسم امریکایی هستند. در واقع، ترومن نیازمند توجیه و دستاویزی بود تا زیرساخت و توان نظامی امریکا را در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم نه تنها حفظ کند بلکه با تقویت آن، ابزار مؤثری برای سلطه‌جویی امریکا در سرتاسر جهان داشته باشد. این روحیه میلیتاریستی در بایدن نیز تکرار شده و نشانه آن افزایش قابل توجه بودجه نظامی امریکا برای سال آ آینده میلادی است که به رقم بی‌سابقه ۷۷۲میلیارد دلار رسید و این جدای از ۴۰میلیارد دلار برای برنامه‌های مرتبط با امور دفاعی در افریقای، وزارت انس‌رزی و دیگر آژانس‌های امنیتی امریکاست. به عبارت دیگر، اسطوره‌سازی بایدن از «جهان آزاد» همانند ترومن لفاظی سیاسی برای خدمت به صنایع نظامی امریکاست که قلب و روح نظام میلیتاریستی این کشور را تشکیل می‌دهند.

■ **جهان متفاوت**

چیزی که بایدن برای اسطوره‌سازی خود نادیده گرفته واقعیت جهان امروز است. جهان امروز بدون شک و تردید با جهان زمان ترومن و بعد از جنگ جهانی دوم تفاوت بنیادین دارد. این تفاوت را می‌توان در تقاضای کاخ سفید از متحندان سنتی عرب خود، یعنی عربستان سعودی و امارات‌متحدهعربی دید که برای افزایش تولید نفت انجام شد اما این دو کشور نه تنها حاضر به پذیرش این درخواست نشدند بلکه تعهدات خود را به روسیه در اوپک پلاس به آن ترجیح دادند. از سوی دیگر، چین در زمان ترومن هنوز قدرت قابل توجه در جهان دست‌کم از لحاظ اقتصادی نبود و حتی کرسی آن در سازمان ملل نیز در اختیار جمهوری چین بود که فقط بر جزیره تایوان تسلط داشت. حالا چین دومین قدرت اقتصادی جهان بعد از امریکاست که نه تنها حاضر به پذیرش این درخواست نشد و حتی صفتبندی و گفتن در عرصه بین‌الملل داشته باشند، در عین اینکه نه در «جهان آزاد» امریکایی قرار داشتند و نه اینکه می‌شد آنها را به زعم ترومن در جرگه جهان اقتدارگرای کمونیستی قرار داد.

■ **شبیه‌سازی با بدن**

بایدن طی مدت حمله روسیه به اوکراین بارها از مفهوم «جهان آزاد» استفاده کرده است و سعی دارد از طریق شبیه‌سازی وضعیت موجود و مخصوصاً با دوره ترومن، همان صفتبندی‌ای را که ترومن به دنبال‌اش بود، احیا کند. این نکته جالبی است که ترومن و بایدن هر دو از حزب دموکرات هستند اما با وجود این و به رغم تصور کاذبی که در مورد رویه حزب دموکرات امریکا ساخته شده است، این دو با اسطوره‌سازی «جهان آزاد» به دنبال حفظ، تقویت و توسعه

قاره اروپا بر سر تحریم نفتی روسیه و پیامدهای آن توافق نظری بین کشورهای اروپایی وجود ندارد. در واقع برای آن دسته از کشورهایی که به نفت روسیه وابسته هستند، کنار گذاشتن این کشور و رفتن به دنبال منابع جایگزین نفتی کار آسانی نخواهد بود و به ویژه در کوتاه‌مدت و حتی در میان‌مدت خسارات زیادی را متوجه اقتصاد آنها خواهد کرد. موضع‌گیری وزیر اقتصاد اسلواکی و تصریح به اینکه تحریم نفتی روسیه موجب ویران شدن اقتصاد اروپا خواهد شد، اشاره به همین امر دارد.

در مقابل کشورهای اروپایی همپیمان و نزدیک به امریکا بر تحریم نفتی روسیه با فشاری می‌کنند که مثال بارز آن بریتانیا، لهستان و کشورهای حوزه بالتیک هستند. در این راستا «لیزر تراس» وزیر خارجه بریتانیا خواستار قطع واردات انرژی شامل نفت و گاز از روسیه شده است. تراس طی اظهارات صدروسی گفت: «جنگ در اوکراین، جنگ مسا و جنگ همه است. مصمم به همکاری با متحدان خود روی طرح جدید مارشال برای حمایت از اوکراین هستیم».

■ **جمع‌بندی**

به نظر می‌رسد اکنون اروپا بر سر دو راهی انتخاب بین دو راهی تحریم نفت روسیه ممکن است. راه اول برای تحریم نفت روسیه ممکن است قیمت نفت خام را افزایش دهد. به گفته‌وی باید درباره این موضوع اندیشیده شود که چگونه می‌توان نفت روسیه را بدون آنکه پیامدهایی بر قیمت‌ها داشته باشد، تحریم کرد. یلن تأکید کرد که در راستای کاهش درآمدهای روسیه از فروش نفت و گاز تلاش خواهد شد و افزایش ارائه نفت به بازارها ضروری است. به نظر می‌رسد در اهداف کلان امریکا نیستند.

رویکرد

ناکامی امریکا برای جذب رأی آفریقا در جنگ روسیه و اوکراین

آفریقا در جنگ فیل‌ها حامی اژدهاست!

نیست نحوه عمل غرب در جریان جنگ داخلی لیبی در سال ۲۰۱۱ برای سرنگونی سرهنگ معمر قذافی و هرج و مرج بعد از آن چیزی جز شیوه استعمار غرب نبود. در واقع، اتحادیه آفریقا در آن زمان طرح صلحی را ارائه کرده بود تا با برقراری آتش‌بس بین نیروهای قذافی و زوما، رئیس‌جمهور وقت آفریقای جنوبی که مخالفان، روند گفت‌وگو آغاز شود و حتی جاکوب زوما، رئیس‌جمهور وقت آفریقای جنوبی که برای میانجیگری به طرابلس در لیبی رفته بود، نه تنها موافقت قذافی با این طرح را اعلام کرد بلکه حتی احتمال برکناری قذافی از قدرت را نیز منتفی ندانست. این طرح می‌توانست ماجرای لیبی را به نحو مسالمت‌آمیزی به پایان برساند اما مداخله غرب و حمایت ناتو از مخالفان باعث شد طرح صلح اتحادیه آفریقا ناکام بماند و مهبت به اصطلاح آزادی غربی برای لیبی جز کشتار و ویرانی چیز دیگری نبود که تا به امروز ادامه داشته است. مداخله سربازان فرانسوی در مالی و ساحل عاج نیز نمونه‌های دیگری از رویکرد مداخله‌جویانه و استعماری غرب در آفریقا ست. گذشته از مثال‌های بسیار، نحوه رفتار با نانشجویان آفریقایی فراری از جنگ در اوکراین نیز نشان داد غرب کاملاً از آفریقا و شهروندان آن را نیز نگاه استعمار آزادی غربی برای لیبی جز کشتار و ویرانی چیز دیگری نبود که تا به امروز ادامه داشته است. مداخله سربازان فرانسوی در مالی و ساحل عاج نیز نمونه‌های دیگری از رویکرد مداخله‌جویانه و استعماری غرب در آفریقا ست. گذشته از مثال‌های بسیار، نحوه رفتار با نانشجویان آفریقایی فراری از جنگ در اوکراین نیز نشان داد غرب کاملاً از آفریقا و شهروندان آن را نیز نگاه استعمار آزادی غربی برای لیبی جز کشتار و ویرانی چیز دیگری نبود که تا به امروز ادامه داشته است. مداخله سربازان فرانسوی در مالی و ساحل عاج نیز نمونه‌های دیگری از

■ **جنگ بین فیل‌ها**

جین یوس الیویر، تحلیلگر نیوزویک به یک ضرب‌المثل آفریقایی اشاره می‌کند که می‌گوید: «قتی که فیل‌ها می‌جنگند، این غلغله‌ها هستند که له می‌شوند.» این ضرب‌المثل می‌تواند دلیلی



توهین می‌کردند. ما هم اصرار داشتیم که انسان هستیم و زندگی ما نیز اهمیت دارد.» به این جهت است که روزنامه گاردین نیزچیره در سرمقاله خود از خشنودی جهان نسبت به رفتار فرانسایی با آفریقایی‌های گرفتار در جنگ اوکراین گفت و اینکه نحوه عمل رهبر آفریقا واکنشی است به این نوع رفتار.

■ **چین با روسیه**

هر چند امریکا بر کشورهای آفریقایی فشار می‌آورد تا علیه روسیه موضع محکمی بگیرند اما مسئله اصلی این است که آیا روسیه تهداتدلیلی است که کشورهای آفریقایی برای دست‌نزدان حمایت این کشور تن به این درخواست امریکا نمی‌دهند. واقعیت اقتصادی و روابط تجاری این کشورها نشان می‌دهد آنها دست‌کم به لحاظ اقتصادی چنین انگیزه‌ای ندارند، زیرا مهم‌ترین رابطه تجارت خارجی قاره آفریقا در وهله نخست با چین است و هند و امریکا بعد از آن در رتبه دوم

۲۰۰میلیارد دلاری با آفریقا در سال ۲۰۲۱، فاصله زیادی با این کشورها دارد. در واقع، روسیه به جز تسلیحات و انرژی چندان نقش پررنگی در دیگر عرصه‌های اقتصادی آفریقاندارد، با این حال نباید موضع به نسبت جانبدارانه چین از روسیه حتی واقع چین است و هند و امریکا بعد از آن در رتبه دوم روسیه بپیوندند و حتی امریکانگرانی جدی دارد از اینکه حمایت اقتصادی چین از روسیه باعث‌اث‌ر شدن تحریم‌ها علیه روسیه شود. به این ترتیب، چین به عنوان شریک اول تجارتی آفریقا نقش قابل توجهی در رأی کشورهای آفریقایی دارد تا جایی که به قول نوسموت‌گیاداموسی، تحلیلگر فارین پالیسی» «رای منتع برای این کشورها لزوماً به معنای جهت‌است که این شرکت در اوکراین و برای روسیه می‌جنگد لیندسی توماس گرنفیلد، سفیر امریکا در سازمان ملل خشم امریکا را در مورد رأی منتع کشورهای آفریقایی بااین حرف نشان داد: «شما نمی‌توانید در حاشیه باسیستد و نظاره‌گر تجاوزی باشید که ما وقوع آن را در اوکراین می‌بینیم و بگویید ما در مورد آن بی‌طرف می‌مانیم.» با این حال، او متوجه نیست کشورهای آفریقایی نمی‌توانند با جانبداری از غرب متحمل هزینه‌ای بشوند که احتمال دارد از سوی روسیه و متحانشن به آنها وارد شود، گذشته از اینکه جانبداری از غرب برای بسیاری از آفریقایی‌ها به معنای جانبداری از جناحی است که نه تنها سابقه سیاه‌استعماری دارد بلکه حتی در همین جنگ آفریقایی‌ها دارد. همان رویکرد استعماری را نسبت به آفریقایی‌ها دارد.

■ **نگاه استعماری غرب**

وقتی که حرف از استعمار و تجربه تلخ آفریقایی‌ها از این پدیده شوم غربی زده می‌شود، لازم نیست به گذشته‌های دور و زمانی اشاره شود که استعمارگران اروپایی، آفریقایی‌ها را برای برده‌داری به غل و زنجیر می‌کشیدند. شکی